

انگار این من نیستم!

بینا فرخی



بهار ۱۳۹۶

www.ketab.ir

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



انتشارات شادان

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۴۱۰۲۰-۸۸۲۶۷۲۹۸

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.co

انگار این من نیستم!

نویسنده: بیتا فرخی

نوبت چاپ: سوم - ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰۱۹-۶۳-۵

کتابخانه ملی: ۲۵۱۳۱۵۴

تراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۳۲۰۰۰۰ ریال

فرخی، بیتا

انگار این من نیستم ۱ - نویسنده: بیتا فرخی /

تهران: شادان / ۱۳۹۰ ۴۷۶ صفحه /

(رومان ۱۱۳۵)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۶۳-۵

ISBN: 978-964-2919-63-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

الف ۳۱۳ ر، PIR ۸۱۶۵

۱۳۹۰

کتابخانه ملی ایران

۲۵۱۳۱۵۴

یادآوری: کلاس حقوقی اثر منعقد
به انتشارات شادان به هر گونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایت های مختلف به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

رازهای سر به مهر...

هرکس در دل رازی دارد. ناگفته‌ای که دلیلی برای پنهان کردنش دارد و به همان دلیل، راز محسوب می‌گردد؛ چه خوب و خوشایند و چه ناخوشایند.

شاید به عبارت درست‌تر هرکس برای خویش، قصه‌ای دارد که هیچ‌کس از آن خبر ندارد و به همین دلیل خود را در امان حریم و حدودی شخصی می‌پندارد. اما وای بر آن زمار که رازی برملا گردد و دیگر سر به مهر نباشد، به ویژه آن که با آشکار شدن راز، عده‌ای دیگر تحت تأثیر آن قرار گیرند و احتمالاً در زندگی آنان مؤثر واقع شود و یه به نفعی به گذشته‌شان ربط داشته باشد.

قصه‌ها هم با رازهای آدم‌هایشان جذاب و پُرکشش می‌شوند. دانستنِ رازهای هر قصه، خواننده را علاقه‌مند به دنبال کردن آن می‌کند تا آن حسِ کنجکاوی خواننده ارضا شود و از پایان کار و به صدا در آمدنِ اسرارِ نهانِ شخصیت‌ها به وجد آید!

شاید این سخن که اگر رازی را با کسی شریک شدی، دیگر آن موضوع یک راز نیست هم قابل تأمل باشد. هرگاه که صاحبِ یک سخن پنهان، آن را برای کسی بیان می‌کند و یا برحسب اتفاق کسی از آن خبردار می‌شود، دیگر نمی‌تواند به مکتوم ماندنش امیدوار باشد. شاید هم خیلی زودتر از آنچه می‌پندارد، رازش



را از زبان غریبه‌ها بشنود.

به هر حال قصه امروز نیز رازی با خود دارد و همین روایت‌هایش از ناگفته‌های افراد برجذابتش می‌افزاید. آدم‌ها گاهی خود را در میان خاطرات و رازهای قدیمی‌شان پنهان می‌کنند و گاهی هم از آنها می‌گریزند تا شاید فراموشش کنند. اما وقتی قرار است اتفاقی رخ دهد و یکی از آن رازها برملا گردد، حتماً چنین می‌شود. انگار تمام شرایط دست در دست هم، می‌روند تا اسرارِ گویا را هویدا سازند. آنگاه بسیاری چیزها در هم می‌ریزد و شرایط تغییر می‌دهند. حتی گاهی نگاه ما را نسبت به یک نفر منقلب می‌کند و قضاوت‌های درست و غلط ما را دگرگون می‌سازد.

به تصویر نمی‌رسند که دیگر امروز با آثارش آشنا هستید - به خوبی توانسته روایت‌گر استانی با جذابیت لازم باشد تا خواننده شادان را در کنار خود تا آخرِ قصه بکشد. فرانز شیب‌ها به حد لزوم و کفایت برای این همراهی در قصه هست تا بار دیگر داسانی اطفی را بخوانید. پس همراهش شوید و در پایان به قضاوتی دیگر در مورد اثرش بنشینید.

با اشتیاق و دلی دیگر در قصه‌ای تازه!

بهمن - ۱۳۹۰
اسفند ماه
تهران

سید الهام